یادداشت

درسی از امام حسن عسکری(ع)

حجت‌الاسلام والمسلمین جواهری
استاد دانشگاه

به‌روزهای شهادت امام حسن عسکری(ع)، پدر بزرگوار امام عصر(عج)، نزدیک می‌شویم؛ به‌همین مناسبت به‌سراغ پندی از بیانات ایشان رفته‌ایم. اینکه خصلت‌های مذموم را بشناسیم و از آن‌ها دوری کنیم، یکی از واجبات است و از بدترین خصلت‌ها دورویی است. بی‌شک دورویی از رذایل اخلاقی و صفات بسیار زشت در مکتب اخلاقی اهل‌بیت(ع) است. امام حسن عسکری(ع) در معرفی دورویان فرموده‌اند: «بِئسَ العَبدُ عَبدٌ یَکُونُ ذَا وَجهَینِ وَ ذَا لِسَانَینِ یُطرِی أَخَاهُ شَاهِداً وَ یَأکُلُهُ غَائِباً إِن أُعطِیَ حَسَدَهُ وَ إِنِ ابتُلِیَ خَذَلَهُ؛ چه‌بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دورو و دوزبان است. در حضور برادرش، اورا می‌ستاید و در پشت‌رو با غیبت کردن، اورا می‌خورد. اگر به‌او عطایی شود، به‌او حسد ورزد و اگر گرفتار شود، اورا وانهد و یاری نکند». در این حدیث، چهار ویژگی برای آدم دورو بیان شده است. باتوجه به این ویژگی‌ها روشن می‌شود که دورویی بسیار بد است و باید از آن دوری کرد. مؤمن باید دورو نباشد؛ یعنی این چهار صفت زشت را نداشته باشد. باید پیش‌رو و پشت روی دیگران، یکسان و صادق باشد. از برخورداری دیگران، خوش‌حال شود و در تنهایی و گرفتاری به‌یاری انسان بشتابد.

ستایش فراوان پیش‌رو

آدم دورو در برابر دیگران، زبانی چرب و نرم، همراه با تعریف و ستایش دارد. از انسان تمجید و تجلیل می‌کند و حتی صفت‌های خوبی که در او نیست، برای خوشایندش پیش‌رو می‌گوید. درمقابل دیگران چنان ستایششان می‌کند که خود را بهترین دوست نشان می‌دهد. «اطرا» به‌معنای نیک ستودن و خوش‌زبانی و تقدیر است. دورو این صفت را فقط رودررو دارد. همین صفت دورو، باعث می‌شود انسان اورا دوست خود بداند و تصور کند آدم خوبی است.

بدگویی پشت‌سر

صفت دوم دورو، غیبت و تهمت و توهین و نیش زدن و بدگویی در پشت‌سر انسان است. همان‌طور که گفتیم، امام یازدهم در حدیث بالا می‌فرمایند: «یأکله غائباً؛ درزمانی که انسان حضور ندارد، اورا می‌خورد». قرآن کریم، غیبت را مانند خوردن گوشت برادر مرده می‌داند: «ولا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه؛ هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به‌یقین) همه شما از این امر کراهت دارید» (حجرات، آیه ۱۲). دورو در غیاب انسان به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که هرگاه انسان بشنود، ناراحت و خشمگین می‌شود. درواقع دورو منافق است و دو زبان دارد. با یک زبان از انسان ستایش می‌کند و با زبان دیگر، اورا نکوهش و ازوی بدگویی می‌کند. انسان وقتی این بدگویی‌های پشت‌سر را می‌شنود، باور نمی‌کند و زمانی که برایش ثابت شد واقعا آن فرد دورو پشت‌سرش بدگویی کرده و حتی کار بدی را که انجام نداده، به‌او نسبت داده است، بسیار ناراحت می‌شود.

حسد در هنگام عطا

اگر انسان بهره‌مند شود و به‌او عطایی برسد، فرد دورو ناراحت می‌شود و حسد می‌ورزد و در دل می‌خواهد به‌انسان رزق و عطایی نرسد. حسادت، صفت سوم آدم دوروست. او از اینکه انسان برخوردار شود، ناراحت می‌شود و می‌خواهد آن نعمت از انسان زایل شود. همچنین اگر خبر خوشی به‌انسان برسد، در ظاهر لبخند می‌زند اما در باطن، مخالف آن است.

ترک یاری، هنگام گرفتاری

آدم دورو از گرفتاری انسان خوش‌حال می‌شود و اگر انسان مشکلی پیدا کند، دست از یاری او برمی‌دارد و او را تنها می‌گذارد. صفت چهارم آدم دورو در حدیث امام حسن عسکری(ع)، در جمله «ان ابتلی خذله» بیان شده است. دورو هنگام ابتلای انسان، اورا رها می‌کند، به‌گونه‌ای که گویا اصلا وی را نمی‌شناسد. «خذلان» به‌معنای ترک یاری و خوار کردن و ذلیل کردن و تنها گذاشتن و بی‌یار و یاور رها کردن است.

بی‌تردید آدم دورو برای دوستی و رفاقت، مناسب نیست. فرومایگانی که در ظاهر تمجید بیش از حد می‌کنند و در باطن از انسان بدگویی می‌کنند و چشم دیدن نعمت او را ندارند و در گرفتاری‌ها یار و غمخوار وی نیستند، برای ارتباط و معاشرت مناسب نیستند و صلاحیت رفاقت و دوستی را ندارند. دوستان صادق و یکرنگ و وفادار که دل و زبانشان یکی است و در راه رسیدن به‌نعمت، یاور انسان‌اند و در گرفتاری‌ها و آزمایش نیز در جست‌وجوی راه رهایی از گرفتاری‌اند، اندک اما قیمتی‌اند.

منابع حدیث: کافی، ج۲، ص۳۴۳ / تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ص۴۸۸ / امالی شیخ صدوق، ص۳۳۷ / خصال شیخ صدوق، ج یک، ص۳۸ / بحارالانوار، ج۷۵، ص۲۰۲.

بردار و بخوان

نامه‌های بلوغ

«پسرم محمد! تو در این ساعت که ده و بیست دقیقه است، داری به‌فیلم کمدی نگاه می‌کنی و از کلمه رمز «بوی باران می‌آید، بدجوری بوی باران می‌آید» به‌خنده افتاده‌ای و من گریانم که خنده‌های من و تو و سرور و ابتهاج ما از چیست و سرگرمی‌های من و ما با چیست؟ این نکته را می‌نویسم تا بعدها برای تو توجهی باشد که مؤمن عاشق، این قدر فرصت سرگرمی ندارد».

«نامه‌های بلوغ» نوشته یک پدر است؛ پدری که از نگرانی‌هایش برای فرزندانش می‌گوید. پدری که حواسش هست چه‌چیزی مانع رشد فرزندش می‌شود: «باقدر و ارزش خودت، در برابر کشش‌ها و حالت‌های طبیعی خودت می‌ایستی و حساب می‌کنی که چرا خودت را برای این‌هایی که برای تو بوده‌اند، فدا کرده‌ای و چرا از صبح تا شام، به‌خاطر آدم‌هایی مثل خودت و یا دنیایی پایین‌تر از خودت، دویده‌ای. انسان با مقایسه محرک‌ها با خودش، از بند آن‌ها آزاد می‌شود و بت‌هایش را می‌شکند و خودشناسی، یعنی اینکه تو با این استعداد و امکان، چرا به‌خاطر دنیای بی‌جان و یا آدم‌ها و فرعون‌ها و طاغوت‌هایی که مثل تو هستند، سوخته‌ای و ساخته‌ای. تو خودت را با تأثیری که از هرچیز احساس می‌کنی، اندازه بگیر و مقایسه کن که این چیز، ارزش این تأثیر را داشته و یا جهل و غفلت تو، اورا بزرگ کرده است». و در دل ناامیدی‌ها برای پاره تنش، امید می‌سازد: «از ظلمات نترسی که هدایت خدا، در متن گمراهی جلوه‌ها دارد؛ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبین». در این بشارت، سر بزرگی است که می‌تواند غربت و تنهایی تو را -اگر خدا دَر دلت مشعلی روشن کند و در سینه‌ات نوری برافروزد- به‌انس و تولید بیشتر منتهی سازد تا پس از تولدت، عقیم نمانی».

کتاب «نامه‌های بلوغ» را علی صفایی حائری خطاب به‌فرزندانش نوشته و انتشارات لیلة‌القدر در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است. این توصیه‌ها فقط برای فرزندان او نیست و می‌تواند برای همه جوانان و نوجوانان باشد: «در راه خدا، در کنار سختی‌ها و مصیبت‌های طولانی، کسانی پابرجا می‌مانند که با هدف و ارزش هدف و با این محاسبه و ارزیابی راه افتاده‌اند، نه آن‌ها که به‌خاطر شیرینی راه و انس همراه، گام برداشته‌اند که راحتی و سرسبزی راه، با رنج‌های کمین گرفته و کویرهای طولانی، سخت و دردآور می‌شود و همراهان همدل، به‌دشمنی و حسادت و دنیاطلبی و عداوت گرفتار می‌شوند و اگر کار به‌برگشت و ارتداد نینجامد، به‌انشعاب و اصطکاک خواهد کشید.

توقع از راه و توقع از همراهان، به‌جدایی از هدف و چشم‌پوشی از ارزش‌ها می‌انجامد. توقع زیاد، تحمل را کم می‌نماید. سالک، اگر از رنج‌های راه و تنهایی وحشت دارد، می‌تواند آغاز نکند و بجاست که مربی همراه، آنچه فردا رخ می‌نماید، امروز آشکار سازد و تمامی راه را نشان بدهد و سختی‌ها را با هدف، آسان نماید نه با خوشی‌ها و خوشایندهای موسمی و با انس‌ها و دلگرمی‌های مقطعی که در آغاز، همیشه دل‌انگیز هستند».

کارشناس مهدویت از سیره اجتماعی و فردی پدر امام زمان (عج) می‌گوید

زمینه سازی امام حسن عسکری(ع) برای دوران غیبت

آمنه مستقیمی| امام حسن عسکری(ع) به‌عنوان آخرین امامی که امت، شاهد ظهورشان در جامعه بوده است و ارتباط مستقیم با ایشان داشته‌اند، نقشی بی‌بدیل در آماده‌سازی شیعیان و جامعه برای درک غیبت امام زمان(عج) داشته‌اند، نقشی که توانست سد بزرگی مقابل انحرافات ایجاد کند و تاریخ را وامدار خود کند. در آستانه سالروز شهادت آن حضرت درگفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا فؤادیان، کارشناس مهدوی، دبیر علمی اندیشکده مهدویت و صاحب آثاری همچون «از حسین(ع) تا مهدی(عج)» و «امام جواد(ع) و امام مهدی(عج)»، مروری کرده‌ایم این نقش‌آفرینی را که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

هدایت امت برای عصر غیبت

• یکی از کارهای سخت اهل بیت(ع) برای هدایت امت، برعهده امام حسن عسکری(ع) بود؛ چون ایشان آخرین امامی بودند که در جامعه ظهور داشتند و پس از شهادتشان، ماجرای بسیار مهم غیبت امام عصر(عج) رخ داد که پیش از آن در حیات ائمه(ع) سابقه نداشت. از این رو آن حضرت برای روشنگری جامعه درباره غیبت امام مهدی(عج)، اقدامات مختلفی انجام دادند.

• دوران امام حسن عسکری(ع) با حیات دیگر ائمه(ع) از جهاتی تفاوت بسیار دارد؛ نخست به دلیل تقیه شدید؛ چنان که حضرت به‌شیعیان فرمودند انگشتر را از دست راست بیرون آورند و در دست چپ خود کنند تا شناخته نشوند. مسئله دوم، امامت سیدمحمد، برادر امام عسکری(ع)، است که در شهر بلد مدفون شده است. برخی‌ها بعد از رحلت سیدمحمد، اظهار کردند که وی نمرده، بلکه غایب شده است. در فرق الشیعه نوبختی آمده است عده‌ای به‌جای اعتقاد به‌امامت حضرت عسکری(ع)، به‌امامت برادرش معتقد شدند.

اوج‌گیری شبکه وکالت

• سازمان وکالت در زمان امام صادق(ع) پدید آمد و در زمان امام حسن عسکری(ع) رونق گرفت؛ چنان که عثمان بن سعید و محمدبن عثمان، نایب اول و نایب دوم امام مهدی(عج)، را خود ایشان برای سازمان وکالت تربیت کردند. امام عسکری(ع) حدود ۱۴۹ صحابی داشتند. وکلا در زمان امام صادق(ع) شش نفر، در زمان موسی بن جعفر(ع) سیزده نفر، در دوران امام رضا(ع) ۱۰ نفر، در هنگام امامت جوادالائمه(ع) سیزده نفر، در زمان امام هادی(ع) چهارده نفر و در زمان امام عسکری(ع) ۲۱ نفر بودند؛ افرادی همچون عثمان بن سعید، احمدبن اسحاق قمی، محمدبن احمدبن جعفر و... این‌ها پنج وظیفه داشتند؛ نخست، برقراری تعامل و ارتباط بین امام و مردم و ردوبدل کردن پرسش و پاسخ‌های دینی میان آن‌ها. دوم، نقش ارشادی در انتقال امامت. سوم مبارزه و نقش سیاسی. چهارم نقش اجتماعی و خدماتی همچون انجام امور عام‌المنفعه و پنجم، نقش مبارزاتی علیه منحرفان و مدعیان. این شبکه در ۶۹ سال غیبت صغرای امام مهدی(عج) نقش‌آفرید.

• حضرت عسکری(ع) اقدامات بی‌شماری برای شناساندن خط امامت پس از خود و در عصر غیبت انجام دادند؛ مثلا پانزده روز قبل از شهادتشان، برای ابوالادیان سه نشانه که امام بعدشان را معرفی می‌کند، بیان کردند. ایشان همچنین در قنوت نماز خود، امام مهدی(عج) و یاران آن حضرت را دعا می‌کردند.

• از دیگر اقدامات امام عسکری(ع) برای آماده کردن شیعیان به‌منظور ورود به‌عصر غیبت، معرفی فرزندشان به‌خواص شیعیان در عین مخفی نگه داشتن امام زمان(عج) بود؛ سامرا، شهری شبه‌نظامی بود که در آن مسیحیان و غیرمسلمانان نیز زندگی می‌کردند و بخشی از همین غیرمسلمانان، سربازان دستگاه خلافت بودند. امام حسن عسکری(ع) موفق شدند باوجود آن سختی و خفقان شدید که حتی مانع از آن شد که ایشان به‌حج بروند (حضرت تنها امامی هستند که به‌حج نرفتند)، از میان آن مسیحیان نیز افرادی را به‌اسلام و تشیع متمایل کنند. حضور ایشان در شهر سامرا، از حدود بیست سال قبل از رسیدن به‌امامت، باعث شد از شهر و ظرفیت‌های آن شناختی عمیق داشته باشند و از این شناخت برای پیشبرد اهداف اسلام و مکتب بهره بگیرند.

طرح: مجید جدیدی

انتظار از منتظران

• سخنان امام عسکری(ع) برای ورود شیعه به‌عصر غیبت، با توصیه‌های کاربردی همراه است؛ چنان که می‌فرمودند: «بهترین باشید» و این بهترین بودن را به‌راه‌های مختلف توصیه کرده‌اند؛ مثل آنکه فرمودند: «باتقواترین مردم کسانی‌اند که از شبهات دوری می‌کنند»، یا «عابدترین مردم، آن‌هایی هستند که واجبات را به‌جای می‌آورند»، «زاهدترین مردم، فردی است که حرام را ترک می‌کند و کوشاترین فرد، اوست که گناهان را ترک می‌کند.» و نیز از ایشان است که «زیرک‌ترین انسان، کسی است که محاسبه نفس می‌کند». این تعابیر نشان می‌دهد که جامعه را به‌سمت برترین‌ها سوق می‌دادند و انتظار داشتند شیعه خاص باشد.

• امام حسن عسکری(ع) در حدیثی، شیعه را به‌هفت کار سفارش کرده‌اند: تقوای الهی، ورع در دین، اجتهاد برای خدا، راستی سخن، ادای امانت، سجده‌های طولانی و خوب همسایه‌داری کردن. نقل است در سامرا شخصی از صرافی، دزدی کرد و وقتی دستگیر شد، گفت: «من شیعه امام عسکری(ع) هستم». وی را نزد حضرت بردند و ایشان فرمودند: «او محب ما ست نه شیعه ما؛ شیعیان ما کسانی‌اند که از سنت و روش ما اطاعت می‌کنند و آن‌ها که مخالف اوامر و نواهی ما هستند، شیعه ما نیستند». امام عسکری(ع) انتظارشان این است که شیعیان، بهترین افراد باشند.

حجت‌الاسلام والمسلمین فؤادیان: سخنان امام عسکری(ع) برای ورود شیعه به‌عصر غیبت، با توصیه‌های کاربردی همراه است؛ چنان که می‌فرمودند: «بهترین باشید» و این بهترین بودن را به‌راه‌های مختلف توصیه کرده‌اند

۸ ویژگی یاران امام مهدی(عج)

• امام عسکری(ع) در دعای قنوتشان از خدا می‌خواهند آن‌ها را که از همسر و خانواده به‌دلیل همراهی با امام مهدی(عج) جدا شده‌اند و ترک وطن کرده، بستر نرم خواب را تعطیل می‌کنند، کسانی که کار و تجارتشان را ترک کرده‌اند و به‌معیشت خود ضرر می‌رسانند و در شهر خود نیستند، با افراد دور، دوستی می‌کنند و از نزدیکانی که با آن‌ها هم‌هدف نیستند، دوری می‌کنند، در حرز و سایه حمایت خودش قرار دهد. این‌ها هدفشان کمک به‌امام مهدی(عج) است؛ چه با ترک وطن، چه با حرام کردن راحتی بر خود.

استفاده از پیشگویی و امور غیبی

• امام حسن عسکری(ع) به‌دلیل امامت در وضعیت خفقان و اختناق و کنترل شدید دستگاه خلافت، بیشترین استفاده را از پیشگویی یعنی امور غیبی کردند؛ چنان که در عمر امامت شش ساله خود، از این بستر بهره بسیار بردند که از این نظر هیچ یک از امامان شبیه حضرت عسکری(ع) نیست. در کتاب‌های تاریخی، نمونه‌های فراوان از این پیشگویی‌ها آمده است؛ برای مثال نقل شده است: «در یکی از دفعاتی که دستگاه خلافت امام عسکری(ع) را دستگیر کرد، هم‌زمان با آن حضرت، شخص دیگری نیز وارد زندان شد و حضرت به‌شیعیان فرمودند او جاسوس است و برای ارائه گزارش از سخنان و رفتار ما به‌زندان آمده است و وقتی اورا تفتیش بدنی کردند، کاغذی را برای گزارش‌دهی یافتند که صحت سخن امام را ثابت کرد». در ماجرایی دیگر، در آن دوران، سامرا دچار خشک‌سالی شد و امام(ع) برای بارش باران دعا کردند و باران از آسمان باریدن گرفت.

چرایی شهرت به ابن‌الرضا(ع)

• این شهرت، دلایل متعددی دارد؛ نخست آنکه امام رضا(ع) ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند؛ مسئله‌ای که پیش از آن درمیان ائمه(ع) سابقه نداشت، لذا به‌دلیل شأن این جایگاه، امامان بعد از ثامن‌الحجج(ع) را ابن‌الرضا(ع) می‌خواندند. دلیل دوم به‌تشکیک درباره وجود مقدس امام جواد(ع) بازمی‌گردد؛ از آنجا که بیش از چهل سال از عمر بابرکت امام رضا(ع) می‌گذشت و ایشان هنوز صاحب اولاد نشده بودند، وقتی خدای متعال آقا جوادالائمه(ع) را به‌ایشان عطا کرد، شبهه بسیار کردند و حتی نسب‌شناس آوردند تا این فرزندی ثابت شود! دلیل سوم خوانده شدن امامان پس از حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) به‌ابن‌الرضا(ع)، جایگاه علمی حضرت ثامن‌الحجج(ع) است. امام هشتم(ع) عالم آل محمد(ص) هستند و وزانت علمی شان، سبب شد در معرفی ائمه بعد از ایشان، آن‌ها را به‌حضرت نسبت دهند.

احادیث کم اما اثرگذار مهدوی

• متأسفانه در معجم‌ها به‌دلیل خفقان و کنترل شدیدی که وجود داشت، روایت چندانی از امام حسن عسکری(ع) درباره امام مهدی(عج) در دست نیست، اما همین تعدادی که در اختیارمان است، شامل نکات مهمی می‌شود؛ برای مثال از ایشان است که فرمودند: «مهدی(عج) فرزند من است که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند». از ایشان درباره چرایی افزایش ظلم بر امامت پرسیدند. حضرت امام عسکری(ع) فرمودند: «این موضوع دو دلیل دارد؛ نخست آنکه بنی العباس می‌دانند حقی در خلافت ندارند و حق با ماست و دوم آنکه مطلع‌اند کسی از ما می‌آید که جهان را پر از عدل و داد می‌کند». حقیقت نیز چنین بود و بنی عباس، احادیث اثنی عشر را از رسول خدا(ص) شنیده بودند و هرچه به‌دوران امام مهدی(عج) نزدیک می‌شدند، فشار و سخت‌گیری آن‌ها درباره ائمه اطهار(ع) افزایش می‌یافت.